

بررسی تطبیقی گرایش‌های تفسیری در تفاسیر المیزان و التحریر و التنویر (مطالعه موردی در سوره بقره)

عبدالرسول شبانی*

دانش آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰

چکیده

گرایش تفسیری نشان‌دهنده تخصص و علاقه مفسر و متأثر از فضای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علمی روزگار وی است. مهم‌ترین گرایش‌های تفسیری، ادبی، کلامی، فقهی، اجتماعی، علمی و فلسفی است. این مقاله با روش تطبیقی و شیوه تحلیلی-توصیفی، گرایش تفسیری علامه طباطبائی را در تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن و شیخ ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر که معاصر یکدیگر بودند را تحلیل کرده و سؤال اصلی پژوهش، این است که گرایش غالب مفسر در هر یک از تفاسیر یادشده چیست؟

مطالعه تطبیقی و تحلیل موردی تفاسیر یادشده در سوره بقره، حاکی از آن است که علامه طباطبائی و شیخ ابن عاشور از گرایش‌های مختلف در تفاسیر خویش استفاده کرده‌اند؛ ولی علامه طباطبائی متأثر از رخداد‌های اجتماعی دوران معاصر و علاقه به مسائل فلسفه، بیش از دیگر گرایش‌ها به المیزان رنگ و بوی اجتماعی - فلسفی بخشیده و شیخ ابن عاشور نیز بر اساس تخصص خویش در ادبیات، التحریر و التنویر را با گرایش ادبی نوشته است.

واژگان کلیدی: گرایش تفسیری، المیزان، علامه طباطبائی، التحریر و التنویر، ابن عاشور

* نویسنده مسئول: erfan3300@yahoo.com «روش ارجاع به این مقاله: شبانی، عبدالرسول؛ (۱۴۰۴).

بررسی تطبیقی گرایش‌های تفسیری در تفاسیر المیزان و التحریر و التنویر، دوفصلنامه علمی تفسیر متون وحیانی، ۵

۱- مقدمه

آگاهی کامل از شیوه‌های تفسیری یکی از الزامات غیرقابل‌انکار در تفسیر است؛ زیرا در غیر این صورت مفسر در دام اظهارنظرهای غیرعلمی و تفسیر به رأی گرفتار آمده و به خاطر تفسیر غیراصولی، خویشان را به عقوبت سختی که در روایات بدان اشاره شده است می‌افکند. (زرکشی، ۱۴۱۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶؛ مجلسی، ۱۴۱۳) بر این اساس پژوهشگران قرآنی برای دوری از آفات و نقصان‌های احتمالی در بیان مراد و منطوق آیات قرآن، شیوه‌هایی را در تفسیر آیات انتخاب کرده‌اند که در اصطلاح به نام روش‌ها و گرایش‌های تفسیری شناخته می‌شود.

برخی گرایش تفسیری را چنین تعریف کرده‌اند که: «به معنای تأثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت‌گیری‌های عصری و سبک‌های پردازش در تفسیر آیات است که بر اساس عقاید، سلیقه شخصی و تخصص علمی مفسر صورت می‌پذیرد». (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲) گرچه صاحب‌نظران درباره انواع گرایش‌ها و نوع دسته‌بندی آن نظرات متفاوتی بیان داشته و هنوز تقسیم‌بندی متقنی در ارتباط با این موضوع مهم صورت نگرفته است، اما می‌توان از مهم‌ترین گرایش‌های تفسیری به گرایش ادبی، کلامی، فقهی، اجتماعی، فلسفی، عرفانی و علمی اشاره کرد. (خسروی، ۱۳۹۲)

در این مقاله با مطالعه تطبیقی و بر اساس روش توصیفی-تحلیلی، گرایش تفسیری دو مفسر شیعی و سنی، علامه سید محمدحسین طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن و شیخ محمد بن طاهر ابن عاشور در تفسیر التنبیر و التنبیر، به عنوان دو مفسر هم‌عصر در مغرب و مشرق جهان اسلام مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و نقاط اشتراک و افتراق گرایش تفسیری هر یک بیان خواهد شد.

پژوهش‌های اندکی در این زمینه وجود دارد که عبارتند از:

الف- مقاله «بررسی تطبیقی گرایش اجتماعی علامه طباطبائی و ابن عاشور» از آلاء شهرستانی که در آن نویسنده صرفاً به بررسی اجمالی گرایش هر دو تفسیر همت گماشته و دیگر گرایش‌ها را بررسی نکرده است.

ب- رساله دکتری با موضوع «مقایسه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری علامه طباطبائی و ابن عاشور» از محمود خسروی که در آن نویسنده از دو زاویه روش و گرایش هر دو تفسیر را به بوته نقد و بررسی گذاشته انجام شده است.

نقطه قوت و نوآوری تحقیق حاضر آن است که گرایش تفسیری تفاسیر یادشده به صورت کامل همراه با مثال‌های تفسیری آن مطرح شده است و به عنوان نمونه، گرایش‌های هر دو مفسر در سوره بقره به صورت کامل و آیه به آیه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. برای آشنایی با گرایش‌های مورد استفاده دو مفسر، هرکدام از این گرایش‌ها و نمونه‌های مورد استفاده در هر دو تفسیر المیزان و التحریر و التنویر را مورد ارزیابی و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- چارچوب نظری

گرایش‌های تفسیری قرآن کریم

علم تفسیر قرآن، از قرون نخستین اسلامی تاکنون، مسیر پر فراز و نشیبی را پیموده است. آغاز آن به نقل احادیث پیامبر اکرم (ص) و صحابه در تبیین آیات بازمی‌گردد و به تدریج، با گسترش علوم اسلامی، گرایش‌های گوناگونی در میان مفسران پدید آمد (زرکشی، ۱۳۸۱). اختلاف در مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مفسران سبب شد که فهم قرآن

گاه بر نقل، گاه بر عقل یا بر شهود عرفانی تکیه کند (طباطبایی، ۱۳۷۴). مهم‌ترین گرایش‌های تفسیر قرآن به شرح زیر است:

۱-۲) تفسیر روایی (نقلی)

تفسیر روایی از کهن‌ترین گرایش‌های تفسیری است و بر نقل اقوال پیامبر (ص)، اهل بیت (ع) و صحابه استوار است. از مشهورترین نمونه‌های آن جامع البیان فی تفسیر القرآن اثر محمد بن جریر طبری (۱۴۱۲ق) و نور الثقلین اثر حویزی (۱۳۷۳ق) است. این روش، اصالت را به سنت می‌دهد، اما گاه در محدود شدن به ظاهر روایت و غفلت از تحلیل زبانی مورد نقد قرار گرفته است (معرفت، ۱۳۷۹).

۲-۲) تفسیر عقلی (کلامی و فلسفی)

در این گرایش، عقل به عنوان ابزار کشف مراد الهی به کار می‌رود. فخر رازی در مفاتیح الغیب (۱۴۲۰ق) و علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن (۱۳۷۴ش) از برجسته‌ترین مفسران این روش‌اند. علامه طباطبایی معتقد است که تفسیر قرآن باید با خود قرآن و اصول عقل هماهنگ باشد، و نباید عقل را در برابر وحی نهاد بلکه آن را خادم فهم وحی دانست (طباطبایی، ۱۳۷۴).

۳-۲) تفسیر عرفانی (اشاری)

تفسیر عرفانی بر تجربه‌ی شهودی و باطنی در فهم آیات تأکید دارد. ابن عربی در فصوص الحکم (۱۹۴۶م) و نجم‌الدین رازی در مرصادالعباد (۱۳۶۶ش) از مهم‌ترین نمایندگان این رویکردند. تفسیر عرفانی با تأکید بر لایه‌های معنوی قرآن، به غنای روحی و اخلاقی مسلمانان کمک کرده، اما گاه به دلیل فقدان معیارهای قابل سنجش، مورد انتقاد قرار گرفته است (سجادی، ۱۳۸۱).

۲-۴) تفسیر ادبی و بلاغی

گرایش ادبی بر ساختار زبانی، نحوی و بلاغی قرآن تمرکز دارد و اعجاز بیانی قرآن را در قالب تحلیل‌های نحوی و بلاغی آشکار می‌کند. زمخشری در الکشاف (۱۴۰۷ق) و طبرسی در مجمع‌البیان (۱۳۶۰ش) از پیشگامان این رویکردند. این گرایش در روزگار معاصر با مطالعات زبان‌شناسی قرآن پیوند خورده است و پژوهشگرانی مانند مصطفی صادق رافعی در کتاب اعجاز القرآن و البلاغة النبویة (۱۹۹۴م) آن را از منظر اعجاز زبانی بررسی کرده‌اند.

۲-۵) تفسیر علمی

تفسیر علمی قرآن در قرن نوزدهم و بیستم میلادی با ظهور اندیشمندانی چون طنطاوی جوهری (الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۵۰ق) و رشیدرضا (تفسیر المنار، ۱۳۶۵ق) گسترش یافت. این گرایش می‌کوشد بین آیات قرآن و یافته‌های علمی هماهنگی نشان دهد. موافقان آن را نشانه شمول و جاودانگی قرآن می‌دانند، در حالی که مخالفان هشدار می‌دهند که علم تجربی موقتی است و نباید بر آیات تحمیل شود (ذکاوت، ۱۳۹۰).

۲-۶) تفسیر اجتماعی و اصلاحی

در این گرایش، قرآن به عنوان منبع اصلاح فرد و جامعه معرفی می‌شود. سید قطب در فی ظلال القرآن (۱۹۸۶م) و محمد عبده در تفسیر المنار بر بازخوانی قرآن در پرتو نیازهای اجتماعی و اخلاقی تأکید داشتند. در ایران نیز آیت‌الله طالقانی در پرتوی از قرآن (۱۳۶۲ش) با نگاه اجتماعی به قرآن پرداخت. این رویکرد با مفاهیمی چون عدالت، آزادی و تربیت اسلامی پیوند دارد.

گرایش‌های تفسیری قرآن، بازتابی از تلاش مفسران برای پاسخ به پرسش‌های معرفتی و اجتماعی هر دوره است. هیچ‌کدام از این گرایش‌ها به‌تنهایی پاسخ‌گوی همه‌ی ابعاد فهم قرآن نیستند، بلکه تعامل میان روش‌های ادبی، علمی، نقلی، عقلی، عرفانی و اجتماعی می‌تواند درک جامع‌تری از پیام وحی به‌دست دهد.

۳- بحث و بررسی

بررسی گرایش‌های التحریر و التنویر و المیزان فی تفسیر القرآن

۳-۱) گرایش ادبی

یکی از جنبه‌های بی‌بدیل اعجاز قرآن، اعجاز ادبی و بلاغت قرآن است که فهم شایسته این نوع از اعجاز، از رهگذر علومى چون معانى، بیان و بدیع میسر است و این علوم، زیبایی‌های گفتاری کلام الهی را در آثار مفسران به تصویر کشیده است؛ بنابراین از جنبه‌های مثبت تفاسیری همچون التحریر، توجه به این بُعد اعجاب‌آور از آیات قرآن است. درباره ضرورت نگاه به علم معانی و بیان باید گفت که بخش عظیمی از زیبایی ترجمه و تفسیر قرآن منوط به ترکیب، هیئت و دقت در چینش کلمات است و بدون در نظر گرفتن این مهم هرگز نمی‌توان به حقیقت معنای آیات دست یافت. (فلاحی قمی، ۱۳۸۹) همچنین گفته‌اند که گرایش ادبی از دریچه علوم ادبی همچون صرف و نحو و لغت و بلاغت، به مفردات و ترکیب‌های آیات نظر دارد. (ایازی، ۱۴۱۴)

۳-۱-۱) گرایش ادبی التحریر و التنویر

بی‌شک تلاش شیخ در تبیین اعجاز ادبی قرآن ستودنی است و تفسیر وی از جمله تفاسیر درخشان در عرصه ارائه وجوه ادبی و معانی قرآن به حساب می‌آید و با مطالعه‌ای مختصر در التحریر می‌توان این نکته را دریافت و باید گفت از این جهت؛ یعنی توجه به گرایش ادبی

گوی سبقت را از المیزان ربوده و نکات بلاغی درخور توجهی را مطرح نموده است. وی در مقدمه تفسیر خویش به این نکته پرداخته است که تمام تلاش خویش را جهت تبیین وجوه اعجاز قرآن و ذکر نکات بلاغی آن به کار بسته و در توضیح و تبیین معانی مفردات قرآن همتی ویژه داشته است. (علوی مهر، ۱۴۳۵)

شیخ با تسلط فراوان بر ادبیات عرب، به‌ویژه علم بلاغت و شعر کهن عرب و با تکیه بر شناخت عمیق واژه‌شناسی، جلوه‌ای ادبی به تفسیر خویش بخشیده است. ابن عاشور بازگشت وجوه مختلف قرآن را به سه مورد می‌داند و یک مورد نیز خود به آن اضافه کرده، جمعاً چهار وجه برای اعجاز قرآن قائل است. این وجوه عبارت‌اند از: ۱. فصاحت و بلاغت؛ ۲. نوآوری‌های قرآن در زمینه هنرها و فنون تصرف در اسلوب و روش‌های کلام بلیغ؛ ۳. معانی حکمت‌آمیز و اشارات علمی؛ ۴. اخبار امور غیبی. او سپس از میان این چهار مورد غالباً به اعجاز قرآن از جنبه فصاحت و بلاغت توجه ویژه مبذول داشته است و در سرتاسر تفسیر خویش از رنگ و لعاب ادبی دور نمانده است. (خسروی، ۱۳۹۲)

۳-۱-۲) نمونه تفسیر ادبی التحریر و التنویر

شیخ در ذیل آیه ۲۶ سوره هود «أَنْ لَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ: (دعوت من این است) که جز خداوند را نپرستید، که همانا من از عذاب روزی دردناک بر شما می‌ترسم» وصف «یوم» به «الیم» را به‌عنوان مجاز عقلی دانسته، وصف «یوم الیم» را بلیغ‌تر از «عذاب الیم» قلمداد کرده است. وی در استدلال کلام خویش ابراز می‌دارد که شدت عذاب الهی چون به‌غایت و نهایت خود رسد، زمان آن را نیز دردناک می‌سازد. (ابن عاشور، ۱۳۹۳)

۳-۱-۳) گرایش ادبی المیزان

از آنجاکه علامه در المیزان به دنبال مطرح کردن گسترده مسائل ادبی آیات نبوده و بیشتر، همت خویش را به طرح گرایش اجتماعی در المیزان صرف کرده است، این گرایش چندان رنگ و بوی خاصی در تفسیر او نداشته و به شکل گسترده همچون التحریر بدان پرداخته نشده است. شاید بتوان یکی از علت‌های این مسئله را در نوع نگرش علامه به آیات قرآن و ارائه جنبه‌های تعلیمی و تربیتی آن در وجوه شخصی و اجتماعی دانست. البته علامه در مواردی معنای لغات و اعراب آیات را از تفسیر مجمع‌البیان طبرسی نقل کرده و این تفسیر به‌صورت بارزی از منابع لغوی و نحوی المیزان به‌حساب می‌آید. همچنین در زمینه بلاغت به تفسیر کشاف زمخشری رجوع داشته است.

از طرفی ذکر این نکته شایسته است که در حالی که علامه اعجاز قرآن را منحصر به یک وجه نمی‌داند، معتقد است قرآن در عرصه‌های متعددی اعجاز دارد که یکی از آن‌ها فصاحت و بلاغت به شمار می‌آید؛ بنابراین وی در برخی موارد در المیزان به گرایش ادبی توجه داشته است؛ ولی این گرایش احاطه کلی بر تفسیر المیزان ندارد. (خسروی، ۱۳۹۲)

۳-۱-۴) نمونه گرایش ادبی در المیزان

آن چنانکه بیان شد بیشتر موارد ادبی المیزان به نقل از مجمع‌البیان است. به‌عنوان نمونه علامه طبرسی در ذیل آیه: «فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ: پس ما درهای آسمان را با ریزش باران باز نمودیم» در مجمع‌البیان کلمه «منهمر» را مصدر ثلاثی مجرد و به معنای ریختن اشک و باران به‌شدت و «انهمار» را به معنای انصباب و روان شدن می‌داند. (طبرسی، ۱۳۵۰)

علامه پس از بیان مطلب فوق، فتح آسمان به آبی منهمر و روان را به‌عنوان کنایه تمثیلی از شدت ریختن آب و جریان متوالی باران می‌داند، گوئی باران در پشت آسمان انباشته

و نمی‌توانسته پایین بریزد، اما همین‌که درب آسمان باز شده، به شدت هرچه‌تمام‌تر بر سر اهل زمین فرو ریخته است. (طباطبائی، ۱۳۹۰)

۲-۳) گرایش فلسفی

اصولاً فلسفه به موضوعاتی همچون اثبات وجود خداوند، یگانگی خدا در عالم، صفات خالق و مسائلی از این دست پرداخته و اساس کار فیلسوف بر قواعد عقلی در تشریح و تبیین خوانش فلسفی استوار است و باید گفت در قرآن آیاتی است که فهم و درک بهتر آن با مسائل فلسفی میسر است؛ همچون آیه: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی آگاه است» (حدید/۳) به اعتقاد برخی برای شناخت جهان یا اصل هستی، آگاهی خاصی نیاز است که تمام هستی و جهان را در برگرد و قوانین کلی هستی را روشن سازد و این کار فقط بر عهده فلسفه است. (سبحانی، بی‌تا) گرچه تا به حال تفسیری که فقط به گرایش فلسفی پرداخته باشد تدوین نشده؛ اما شاید بتوان مفصل‌ترین تفسیر فلسفی قرآن را «تفسیر القرآن الکریم» ملاصدرا شیرازی دانست. در این تفسیر ملاصدرا وجه همت خویش را توجه به این گرایش قرار داده است؛ اما رشحاتی از این گرایش را در تفاسیر دیگر نیز می‌توان یافت.

آنچه در روش فلسفی برای تفسیر قرآن رخ می‌نماید، سخن از اثبات خالق هستی و مظاهر آن است و آیات زیادی نیز در قرآن کریم برای اثبات خالق هستی به شکل‌های مختلف وجود دارد. اگر فیلسوف با ضوابط، اصول و قواعد معتبر مانند عقل سلیم و فطری (اگرچه برهانی باشد) همراه با آیات و روایات به تفسیر قرآن بپردازد، منعی وجود نداشته، تفسیر او صبغه فلسفی پیدا می‌کند. (خسروی، ۱۳۹۲)

۱-۲-۳) گرایش فلسفی در التحریر و التنبیر

آن‌چنان‌که در گرایش عرفانی بیان شد، ابن عاشور عموماً نسبت به عرفان و فلسفه دیدگاه موافق نداشته و در پاره‌ای از آیات از این گرایش بهره برده و یا حداقل در قبال برخی از آن‌ها سکوت اختیار کرده است. وی از بیان گسترده نکات فلسفی در تفسیر خود اجتناب نموده و معتقد است نظریات تفسیری مفسر تحت تأثیر علمی است که از آن‌ها بهره‌مند می‌شود و این علوم تا جایی که موجب تحمیل بر قرآن نگردد، موجب غنای تفسیر گشته، در عین حال متذکر می‌گردد که مباحث تفسیری تفسیر شمرده نمی‌شود؛ بنابراین گرایش فلسفی در التحریر و التنویر نمود چندانی نداشته و ابن عاشور همانند مفسران مغرب جهان اسلام توجه ویژه‌ای به گرایش فلسفی ندارد و باید گفت تألیفات او نیز این مسئله را تصدیق می‌کند. (خسروی، ۱۳۹۲)

۳-۲-۲) نمونه گرایش فلسفی در التحریر و التنویر

ابن عاشور ذیل آیه ۱ سوره توحید، در ارتباط با تبیین واژه «احد» و تفسیر آن و تفاوت آن با «واحد» سخنی فلسفی از ابن‌سینا یادآور شده و احد را دال بر وحدانیت خداوند در تمام وجوه، دور از کثرت، چه کثرت معنوی (اعم از مقومات اجناس و فصول) و چه کثرت حسی (اعم از کثرت قوه و فعل در جسم)، منزّه از جنس، فصل، ماده، صورت، اعراض، ابعاض، اعضاء، اشکال و رنگ‌ها می‌داند. (ابن عاشور، ۱۳۹۳)

۳-۲-۳) گرایش فلسفی المیزان

یکی از نقاط قوت المیزان نسبت به دیگر تفاسیر مشابه، غور علامه در مباحث فلسفی قرآن و طرح و تبیین آن‌ها است. چیزی که بیشتر مفسرین به دلیل نداشتن تخصص خاص و یا علاقه ذاتی، از کنار آن به‌سادگی گذشته‌اند. علامه هم خود فیلسوفی توانمند بود و هم در تفسیر آیات قرآن از مسائل فلسفی استفاده می‌کرد. این مسئله را تألیفات متعدد وی در

فلسفه همچون اصول فلسفه و روش رئالیسم، بدایة الحکمة، نهایت الحکمة، رساله‌ای در اثبات ذات و رساله‌ای در اثبات صفات اثبات می‌کند.

علامه پایه‌گذار روشی نوین در تفسیر قرآن است که یکی از بارزترین ویژگی‌های این روش، طرح مباحث فلسفی در ضمن فصولی جداگانه ذیل پاره و دسته‌ای از آیات قرآن است که طی آن برهانی‌ترین مسائل فلسفی را از آیات قرآن استنباط می‌کند. او به شکلی در پرتو آیات مباحث عمیق و دقیق فلسفی را استنتاج نموده که در تاریخ تفسیر قرآن بی‌نظیر بوده است. تا جایی که برخی مهم‌ترین گرایش تفسیری او را فلسفی دانسته‌اند. (خسروی، ۱۳۹۲)

بنابراین طبیعی است که شخصیتی همچون علامه در این پایه والا از تسلط در مباحث فلسفی، به تفسیر خویش در کنار گرایش اجتماعی، رنگ و بوی فلسفی بخشیده و از اصول و مبانی فلسفه در تفسیر آیات استفاده کرده باشد.

۳-۲-۴) نمونه گرایش فلسفی در المیزان

علامه در ذیل آیه: «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ: و آنان به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو (بر پیامبران) نازل گردیده، ایمان دارند و هم آنان به آخرت (نیز) یقین دارند» (بقره/۴) دو بحث فلسفی مبسوط در ارتباط با ادراکات حسی و عقلی مطرح نموده و در ارتباط با این سؤال که آیا جایز است انسان بر غیر از ادراکات حسی یعنی مبانی عقلی اعتماد کند، آراء و نظریات مختلف بزرگان و به خصوص نظرات دانشمندان غربی را جمع‌آوری کرده است. (طباطبائی، ۱۳۹۰)

وی معتقد است که «بیشتر دانشمندان غرب و مخصوصاً طبیعی‌دانان بر آن شده‌اند که اعتماد بر غیر حس صحیح نیست، به این دلیل که مطالب عقلی محض غالباً غلط از آب درآمده،

براهین آن به خطا می‌انجامد و معیاری که خطای آن را از ثوابش جدا کند در دسترس نیست». (طباطبائی، ۱۳۹۰) سپس ۵ ایراد و اشکال اساسی بر این نظر وارد ساخته و می‌گوید: «غلط و خطا در حس کمتر از غلط در عقلیات نیست... پس اگر صرف خطا در بابی از علم باعث شود که ما از آن علم سد باب نموده، به کلی از درجه اعتبار ساقطش بدانیم، باید در علوم حسی نیز اعتمادمان منصرف شده، به کلی در علوم حسی را هم تخته کنیم». (طباطبائی، ۱۳۹۰)

۳-۳) گرایش فقهی

مسائل تشریعی و احکام فقهی را باید از جمله موضوعات مهم در آیات قرآن دانست و از این روی قرآن به عنوان اصلی‌ترین منبع استنباط احکام شرعی، عهده‌دار و متکفل بیان فقه اسلامی شناخته می‌شود. گرچه پیامبر و اهل بیت (ع) به عنوان شارحان قرآن، وظیفه تبیین موضوعات فقهی و آیات الاحکام را به عهده‌دارند؛ ولی خطوط کلی این مسائل در قرآن ترسیم شده است و همین امر برخی مفسرین را از دیرباز بر آن داشته که نسبت به این گرایش نظری دقیق‌تر و کامل‌تر داشته باشند.

توجه به این نکته که در قرآن حدود پانصد آیه راجع به احکام شرعی مرتبط با عبادات و معاملات وجود دارد، خود اهمیت این گرایش تفسیری را پررنگ‌تر می‌کند. (ذهبی، ۱۹۶۱) در زمان نزول قرآن و تا زمان وفات پیامبر اکرم (ص) تفسیر فقهی به دوراز تأثیر باورها و اعتقادات مذهبی ادامه داشت، ولی با ظهور مذاهب گوناگون اعم از اهل سنت، ظاهریه، خوارج، شیعه و... تفاسیر فقهی بر اساس آراء و نظریات علماء مذاهب شکل گرفت. (معرفت، ۱۴۱۸) بنابراین در این دوران مفسران همواره از وظایف خود می‌دانستند که در کنار تبیین و توضیح کلمات، از موضع فکری خود نیز دفاع کنند و ذهن مخاطبان خود را با ارائه و طرح مباحث کلامی و فقهی اشباع نمایند. (ایازی، ۱۳۷۸)

بی‌شک ظهور نحله‌ها و مذاهب گوناگون تأثیراتی در گرایش فقهی داشته و تا حدودی آن را به سمت گرایش کلامی سوق داده است؛ ولی از آنجاکه در گرایش فقهی خطوط کلی آیات الاحکام و مسائل اساسی فقهی که تمام مذاهب بر آن اتفاق نظر دارند مطرح می‌شود؛ این گرایش تا حدودی مصون از باورهای کلامی مذاهب و نحله‌ها تا امروز توسط مفسرین مطرح و بدان پرداخته شده است و تأثیر اعتقادات کلامی را باید در گرایش کلامی تفسیر قرآن که در بخش بعدی بدان پرداخته می‌شود جست‌وجو نمود.

پس از این مقدمه باید گفت اصول فقه طبق دسته‌بندی علمای اصول به چهار دسته مباحث تقسیم می‌شود: مباحث الفاظ، مستقلات عقلیه، مباحث حجت و اصول عملیه. به جز مباحث اصول عملیه، تقریباً همه مباحث اصول فقه به صورت مستقیم و غیرمستقیم در تفسیر کاربرد دارد. (رجبی، ۱۳۸۷)

۳-۳-۱) گرایش فقهی التحریر و التنویر

مباحث فقهی التحریر و التنویر فراوان است و ابن عاشور در برخورد با آیات الاحکام تلاش نموده که به اختصار و در حد نیاز تفسیر، با استعانت تام از روایات به توضیح آیات الاحکام بپردازد و در کنار ذکر آراء فقهی اهل سنت، به دیدگاه‌های دیگر فرق اسلامی اشاره نموده، نظریه اجتهادی خویش را نیز بیان دارد. (خسروی، ۱۳۹۲)

باید گفت که گرچه ابن عاشور در التحریر و التنویر به طرح مباحث فقهی ذیل آیات الاحکام پرداخته است، اما به نظر می‌رسد وی احکام فقهی را به صورت قطعی، جزئی از تفسیر ندانسته و در حد نیاز و به صورت مختصر به ذکر، تبیین و تشریح آن همت گماشته و بحث کامل آن را به کتب فقهی ارجاع داده است. (ابن عاشور، ۱۳۹۳) به نظر می‌رسد در دیدگاه شیخ، طرح مسائل فقهی از موضوع تفسیر قرآن خارج بوده و این مسئله را باید

به کتب فقهی و فقیهان سپرد و در مواردی به صورت کلی آیات الاحکام را بررسی و تبیین می‌کند.

۳-۳-۲) نمونه گرایش فقهی التحریر و التنویر

ابن عاشور در ذیل آیه ۵ سوره مائده «الیوم احل لکم الطبیات و طعام الذین اتوا الکتاب حل لکم و طعامکم حل لهم: امروز غذاهای پاک و طیب برای شما حلال شد و طعام اهل کتاب برای شما و طعام شما نیز برای ایشان حلال گردید» بحثی مبسوط مرتبط با فرق مختلف اهل کتاب و احکام فقهی هر یک بیان داشته، کیفیت دریافت و اخذ طعام اهل کتاب را از دیدگاه فقهی بررسی کرده است. وی در این زمینه به روایتی از پیامبر (ص) اشاره نموده که فرمود: «ان وجدتم غیرها فلا تاكلوا فیها و ان لم تجدوا فاغسلوها ثم کلوا فیها: اگر طعامی غیر از آنچه در نزد آنان (اهل کتاب) است از طعام ایشان نخورید و اگر غیر از آن نبود، آن را شسته و سپس از آن بخورید». (ابن طاووس، ۱۴۰۰) سپس در توضیح بیشتر، کلامی در احکام فقهی اکل اهل کتاب را از ابن عربی مطرح می‌نماید. (ابن عاشور، ۱۳۹۳)

۳-۳-۳) گرایش فقهی المیزان

گرچه علامه در المیزان کمتر به مسائل فقهی پرداخته است، اما باید خاطر نشان کرد که از ابعاد مخفی و پنهان او، بعد فقهی و اصولی اوست، به گونه‌ای که تبرز وی در فلسفه، عرفان، تفسیر و کلام، این بُعد یعنی بُعد فقهی او را تحت الشعاع خویش قرار داده است. (اردشیری، ۱۳۸۸) علامه نیز همچون شیخ ابن عاشور، آیات الاحکام را مختصر شرح داده و معتقد است آیات الاحکام جزء مباحث فقهی و متناسب جایگاه خویش است که باید در کتب فقهی از آن بحث شود، نه در تفسیر. چه بسا پرداختن به آیات الاحکام را از موانع تفسیر می‌داند، مگر در مواردی که اختلاف در مباحث فقهی بالاگرفته باشد. (خسروی، ۱۳۹۲)

۳-۳-۴) نمونه گرایش فقهی در المیزان

علامه در ذیل آیه ۶ سوره مائده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه به نماز برخاستید، پس صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و قسمتی از سر و پاهایتان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید» (مائده/۶) می‌گوید: «آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه نماز مشروط به شرطی است که در آیه آمده، یعنی شستن و مسح کردن که همان وضو باشد و از آن بیش از این مقدار استفاده نمی‌شود که نماز وضو می‌خواهد، اما اینکه آن قدر اطلاق داشته باشد که دلالت کند بر اینکه هر یک نماز وضو لازم دارد، هر چند که وضوی قبلی باطل نشده باشد، منوط به این است که آیه شریفه اطلاق داشته باشد و آیات تشریع کمتر اطلاق دارد». (طباطبائی، ۱۳۹۰)

۳-۳-۴) گرایش کلامی

کلام، دانشی است که به بحث پیرامون اصول اعتقادی و جهان‌بینی دینی بر مبنای استدلال عقلی و نقلی پرداخته و به شبهه‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود پاسخ می‌دهد. مسائل کلامی از جمله مباحث مهم اعتقادی است که از زمان رحلت پیامبر اسلام (ص) و با ظهور نحله‌های مختلف، کانون داغ و پرهیاهوی بحث و بررسی اعتقادات مذهبی است که بر اساس نوع نگرش و استنباط فقهی هر یک از مذاهب اسلامی پدید آمده و تا امروز نیز به قوت خویش باقی‌مانده است.

در مورد علل شکل‌گیری علم کلام باید گفت از قرن دوم به بعد، با توجه به ترجمه آثار و نفوذ افکار و علوم یونانیان و ایرانیان در بین مسلمانان، روش‌ها و گرایش‌های دیگری در تفسیر پدید آمد. از اینجا بود که بحث‌های کلامی و فلسفی پیداشده، کم‌کم گرایش تفسیری

کلامی شکل گرفت. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲) از سوی دیگر هم‌زمان با فتنه‌ها و کشمکش‌های سیاسی صدر اسلام و به دنبال انحراف جامعه اسلامی از مدار دو کانون به هم پیوسته یعنی «قرآن و عترت»، اختلافات عقیدتی و درگیری‌های فکری آغاز شده، در مدت کوتاهی دامنه آن به مسائل اساسی و اعتقادی کشیده شد و به طور شگفت‌انگیزی گسترش یافت و به دنبال این جریان تاریخی، مذاهب و روش‌های گوناگون در زمینه‌های مختلف اسلامی چون قارچ از هر سو شروع به روییدن کرد. (عمید زنجانی، ۱۳۷۸) این زمان، نقطه شروع و گسترش مباحث کلامی در قالب اعتقادات شیعه، معتزله و اشاعره بود و دو عامل یادشده یعنی اختلافات عقیدتی و درگیری‌های فکری را می‌توان به عنوان علل شکل‌گیری و گسترش مباحث کلامی و گرایش تفسیری کلامی بر اساس اعتقادات و تفکرات صاحب‌نظران مکاتب و نحله‌های مذهبی دانست.

۳-۴-۱) گرایش کلامی التحریر و التنویر

مسلك اعتقادی ابن عاشور، اشاعری است و در تفسیر خویش ذکر اقوال در مورد مباحث کلامی را مختصر کرده و معتقد است ذکر مباحث کلامی و اعتقادی مذاهب هدف تفسیر نیست. (ایازی، ۱۴۱۴) وی متناسب با آیات قرآن به طرح مباحث کلامی پرداخته و در مباحث اختلافی کوشیده است تا در آغاز به دیدگاه مشترک و مورد اتفاق همه مذاهب اشاره کرده، سپس موارد اختلاف را بیاورد. گاهی دیدگاه خود را آورده و گاهی سکوت اختیار می‌کند. (خسروی، ۱۳۹۲) چنانچه پیش‌تر نیز اشاره شد، شاید بتوان ریشه نگرش شیخ در برخورد با آرا و نظریات کلامی را در تفکر اصلاح‌طلبانه و آزادی‌خواهانه وی جست‌وجو کرد.

۳-۴-۲) نمونه گرایش کلامی التحریر و التنویر

قرآن می‌فرماید: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ: چشم‌ها او را در نمی‌یابد، ولی او چشم‌ها را در می‌یابد و او نامرئی و دقیق و باریک‌بین و آگاه است» (انعام/۱۰۳) شیخ در تفسیر خویش به این نکته اشاره می‌کند که در مورد رؤیت حضرت حق در آخرت، بین طوایف متکلمین اختلاف وجود دارد. جمهور اهل سنت، دیدن خدا را در آخرت بر اساس ظواهر ادله کتاب و سنت اثبات می‌کنند و این در حالی است که همگی اتفاق نظر دارند که این دیدن معمولی و متعارف نخواهد بود. سپس به نظر مالک بن انس بر اساس اعتقاد مکتب معتزله اشاره نموده که همگی ما قبول داریم که خدای تعالی منزّه از دیدن و جهت است، کما اینکه در این مطلب که در آخرت برای مؤمنین، حقیقت علمی حضرت حق منکشف می‌گردد نیز اتفاق نظر داریم. (ابن عاشور، ۱۳۹۳)

۳-۴-۳) گرایش کلامی المیزان

علامه در المیزان به مناسبت آیات، به تبیین و اثبات اعتقادات مذهب شیعه پرداخته و اشکالات وارد شده را پاسخ داده است. برای مثال وی در ذیل آیه ۲۱۰ سوره بقره «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ: آیا جز این انتظار دارند که خداوند و فرشتگان در سایه‌های ابر به سوی آن‌ها بیایند تا کار آنان یکسره شود؟ (درحالی‌که بعد از نزول آیات روشن، نیازی به چیز دیگری نیست.) و به‌سوی خدا تمام امور برمی‌گردد» صفات حدوث، نقص و حاجت را از ذات پاک خدای تعالی مبرا دانسته، این اعتقاد را از ضروریات کتاب و سنت برمی‌شمارد. همچنین در اثبات این عقیده به آیات «لیس کمثله شیئی»، «والله هو الغنی»، «الله خالق کل شیء» استشهد نموده است؛ زیرا این آیات جزء محکّمات قرآن است و می‌توان با آن تفسیر متشابهات را آشکار و روشن ساخت. (خسروی، ۱۳۹۲)

۳-۴-۳) نمونه گرایش کلامی در المیزان

علامه در ذیل آیه ۲۳ سوره قیامه «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ» چهره‌ها در آن روز شاداب و با طراوت است و به (الطف و پاداش) پروردگارشان چشم دوخته‌اند» مراد از نظر کردن به خدای متعال را نظر حسی که با چشم سرانجام می‌شود نمی‌داند، زیرا به بیان وی برهان قاطع، قائم است بر محال بودن دیده شدن خدای تعالی. بلکه مراد از آن را نظر قلبی و دیدن قلب به وسیله حقیقت ایمان می‌داند، همان‌گونه که براهین عقلی نیز همین را تأیید کرده و اخبار رسیده از اهل بیت (ع) هم بر همین مطلب دلالت دارد. سپس علامه در ذیل این آیات در بحث روایتی حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) را آورده که در آن حدیث پیغمبر اکرم نظر به‌سوی خداوند را با رؤیت قلب در قیامت امکان‌پذیر می‌داند، اما نه باکیفیت و حدی محدود و نه باصفتی معلوم. (طباطبائی، ۱۳۹۰)

۳-۵) گرایش علمی

گرچه هدف خداوند از نزول قرآن، هدایت بشر به‌سوی صراط مستقیم بوده و قرآن نیز هدایت متقین را با همین کتاب آسمانی می‌داند (بقره/۳) اما در ضمن آیات قرآن، بخش‌هایی نیز به مباحث علمی همچون زوجیت در گیاهان، شکل‌گیری کائنات و آسمان‌ها از ماده دودی‌شکل و غیره اختصاص یافته که اکنون با پیشرفت علوم، پرده از روی چهره این آیات برداشته‌شده؛ بنابراین مباحث مرتبط با ماهیت علوم تجربی و رابطه آن با قرآن و قلمرو حوزه‌های علم و قرآن در قرون اخیر سبب شده تا مبحثی به‌عنوان علوم تجربی پدیدار گردد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲) برخی صاحب‌نظران تفسیر علمی را جزء روش‌ها و برخی نیز در حوزه گرایش‌های تفسیری داخل می‌دانند، اما به نظر می‌رسد با عنایت به ارتباط این مسئله با نوع تخصص و ذوق و سلیقه مفسر در مسائل علمی، به‌عنوان گرایش مطرح باشد.

از میان عالمان دینی امام غزالی در احیاءالعلوم بیشتر به تفسیر علمی توجه نموده است. او به روایتی از عبدالله بن مسعود اشاره می‌کند که می‌گوید «مَنْ أَرَادَ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَلْيَتَدَبَّرُ الْقُرْآنَ: هر کس می‌خواهد به علم اولین و آخرین دست یابد، پس در قرآن تدبر کند» (طنطاوی، ۱۴۲۵؛ فرحات، ۱۴۲۱) پس از این روایت این نکته را استفاده می‌کند که همه علوم از اولین تا آخرین و به‌خصوص مسائل اعجاز علمی در قرآن موجود است. (ذهبی، ۱۹۶۱)

۳-۵-۱) گرایش علمی التحریر و التنویر

ابن عاشور علوم قرآن را در چهار بخش خلاصه می‌کند: ۱. علومی که قرآن متضمن آن است، همچون تاریخ انبیا و امت‌ها، اخلاق، اعتقادات ۲. علومی که علم و آگاهی مفسر را زیاد می‌کند، همچون حکمت، هیئت و خواص مخلوقات ۳. علوم که در قرآن به آن اشاره شده و مؤیدی در آیات قرآن بر آن یافت می‌شود، مانند علم زمین‌شناسی، طب و منطق ۴. علومی که ارتباط خاصی با منطق و هدایت قرآن ندارند؛ همچون جادو و علوم غریبه. (ابن عاشور، ۱۳۹۳) باید گفت وی در تفسیر خود در ارتباط با علوم تجربی مطالبی هرچند اندک را یادآور شده است.

۳-۵-۲) نمونه گرایش علمی التحریر و التنویر

قرآن می‌فرماید: «ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ: سپس به (آسمان) درحالی که دود بود توجه کرد، پس به آن و زمین فرمود: با رغبت یا کراهت بیایید (و شکل بگیرید) گفتند: فرمان‌بردار آمدیم (و شکل گرفتیم)» (فصلت/۱۱) شیخ در ذیل این آیه از شکل‌گیری آسمان‌ها سخن گفته، ماده اولیه شکل‌گیری آسمان‌ها را دودی تاریک و سیاه و ابری رقیق که رطوبتی است مشابه عنصر

اصلی که خداوند از آن همه موجودات را خلق فرموده معرفی کرده، این بیان را مشابه آنچه در سفر تکوین در تورات آمده می‌داند. (ابن عاشور، ۱۳۹۳)

۳-۵-۳) گرایش علمی المیزان

علامه تأثیر و نقش علم را در بیان و فهم بهینه آیات و کشف منظورها و مدلول‌ها می‌پذیرد و به اصطلاح، تفسیر علمی را به عنوان یکی از شیوه‌های تفسیر قرآن باور دارد، جز اینکه او به کارگیری یافته‌های علمی به صورت مستقیم در کشف مقاصد آیات را باور ندارد. ایشان در مواردی که تفسیر علمی منجر به تطبیق می‌گردد آن را نمی‌پذیرد، اما در مواردی که چنین نباشد آن را پذیرفته است و قائل به تفصیل در تفسیر علمی است. (خسروی، ۱۳۹۲)

بر اساس نظر علامه تا زمانی که نظریه علمی مطرح شده بر قرآن تحمیل نشده و تطبیق نگردد، می‌توان آن را پذیرفت و به عنوان یکی از احتمالات در تفسیر قرآن در نظر گرفت.

۳-۵-۴) نمونه گرایش علمی در المیزان

علامه در ذیل آیه سوره ۱۱ سوره فصلت در ارتباط با دخان گوید: «و هی دخان، این جمله حال است از کلمه سماء و جمله چنین معنا می‌دهد که خدای تعالی متوجّه آسمان شد و آن را بیافرید، درحالی‌که چیزی بود که خدا نامش را دود نهاد است و آن ماده‌ای بود که خداوند به صورت آسمان درآورد و آن را هفت آسمان کرد، بعد از آنکه از هم متمایز نبودند و همه یکی بودند. به همین مناسبت در آیه مورد بحث آن را مفرد آورده و فرموده «ثم استوی الی السماء» و فرموده «ثم استوی الی السماوات». (طباطبائی، ۱۳۹۰)

۳- تحلیل انواع گرایش‌های تفسیری المیزان و التحریر و التنویر با تمرکز بر سوره بقره

شماره آیه	نظر ابن عاشور	منبع التحریر	نظر علامه	منبع المیزان	شماره آیه	نظر ابن عاشور	منبع التحریر	نظر علامه	منبع المیزان
۱	-	-	-	-	۲۷	ادبی	۳۶۵/۱	فلسفی	۱۶۳/۱
۲	ادبی	۲۲۱/۱	-	-	۲۸	کلامی	۳۷۵/۱	-	-
۳	ادبی	۲۳۰/۱	فلسفی	۷۵/۱	۲۹	علمی	۳۸۵/۱	-	-
۴	-	-	فلسفی	۷۷/۱	۳۰	ادبی	۳۹۸/۱	-	-
۵	ادبی	۲۴۴/۱	-	-	۳۱	ادبی	۴۰۸/۱	-	-
۶	ادبی	۲۵۰/۱	-	-	۳۲	ادبی	۴۱۴/۱	-	-
۷	ادبی	۲۵۵/۱	-	-	۳۳	ادبی	۴۲۱/۱	-	-
۸	کلامی	۲۶۶/۱	-	-	۳۴	ادبی	۴۲۵/۱	-	-
۹	اجتماعی	۲۷۵/۱	-	-	۳۵	ادبی	۴۲۸/۱	-	-
۱۰	اجتماعی	۲۸۱/۱	-	-	۳۶	-	-	-	-
۱۱	-	-	-	-	۳۷	کلامی	۴۳۹/۱	-	-
۱۲	-	-	-	-	۳۸	ادبی	۴۴۵/۱	-	-
۱۳	-	-	-	-	۳۹	ادبی	۴۴۵/۱	-	-
۱۴	ادبی	۲۹۱/۱	-	-	۴۰	ادبی	۴۵۰/۱	-	-
۱۵	ادبی	۲۹۵/۱	-	-	۴۱	ادبی	۴۶۲/۱	-	-
۱۶	ادبی	۲۹۷/۱	-	-	۴۲	ادبی	۴۷۲/۱	-	-
۱۷	ادبی	۳۰۲/۱	-	-	۴۳	-	-	-	-
۱۸	ادبی	۳۱۳/۱	-	-	۴۴	ادبی	۴۷۶/۱	-	-

۱۹	ادبی	۳۱۷/۱	-	-	۴۵	ادبی	۴۸۰/۱	-	-
۲۰	ادبی	۳۱۹/۱	-	-	۴۶	ادبی	۴۸۱/۱	-	-
۲۱	ادبی	۳۲۴/۱	-	-	۴۷	-		اجتماعی	۲۳۳/۱
۲۲	علمی	۳۳۱/۱	-	-	۴۸	کلامی	۴۸۸/۱	فلسفی	۲۷۷/۱
								اجتماعی	۲۷۶/۱
۲۳	ادبی	۳۳۶/۱	اجتماعی	۹۸/۱	۴۹	ادبی	۴۹۳/۱	-	-
۲۴	ادبی	۳۴۲/۱	-	-	۵۰	ادبی	۴۹۶/۱	-	-
۲۵	ادبی	۳۵۱/۱	-	-	۵۱	ادبی	۵۰۰/۱	-	-
۲۶	ادبی	۳۶۰/۱	اجتماعی	۱۴۵/۱	۵۲	ادبی	۵۰۱/۱	-	-
۵۳	ادبی	۵۰۲/۱	-	-	۸۱	ادبی	۵۸۱/۱	-	-
۵۴	ادبی	۵۰۴/۱	-	-	۸۲	ادبی	۵۸۱/۱	-	-
۵۵	ادبی	۵۰۷/۱	-	-	۸۳	ادبی	۵۸۲/۱	-	-
۵۶	ادبی	۵۰۸/۱	-	-	۸۴	ادبی	۵۸۸/۱	-	-
۵۷	ادبی	۵۱۲/۱	-	-	۸۵	ادبی	۵۹۰/۱	-	-
۵۸	ادبی	۵۱۵/۱	-	-	۸۶	ادبی	۵۹۱/۱	-	-
۵۹	ادبی	۵۱۶/۱	-	-	۸۷	ادبی	۵۹۶/۱	-	-
۶۰	ادبی	۵۱۹/۱	-	-	۸۸	ادبی	۶۰۰/۱	-	-
۶۱	ادبی	۵۲۲/۱	-	-	۸۹	ادبی	۶۰۲/۱	اجتماعی	۳۳۸/۱
۶۲	کلامی	۵۳۶/۱	اجتماعی	۲۹۴/۱	۹۰	ادبی	۶۰۵/۱	-	-
۶۳	ادبی	۵۴۲/۱	فلسفی	۳۱۰/۱	۹۱	ادبی	۶۰۸/۱	-	-

۶۴	ادبی	۵۴۲/۱	اجتماعی	۳۱۵/۱	۹۲	ادبی	۶۱۱/۱	-	-
۶۵	ادبی	۵۴۴/۱	-	-	۹۳	ادبی	۶۱۲/۱	-	-
۶۶	ادبی	۵۴۶/۱	-	-	۹۴	ادبی	۶۱۴/۱	-	-
۶۷	ادبی	۵۴۷/۱	-	-	۹۵	ادبی	۶۱۵/۱	-	-
۶۸	ادبی	۵۴۹/۱	-	-	۹۶	ادبی	۶۱۹/۱	-	-
۶۹	ادبی	۵۵۳/۱	-	-	۹۷	ادبی	۶۲۴/۱	-	-
۷۰	ادبی	۵۵۴/۱	-	-	۹۸	ادبی	۶۲۴/۱	-	-
۷۱	ادبی	۵۵۹/۱	-	-	۹۹	-	-	-	-
۷۲	-	-	-	-	۱۰۰	-	-	-	-
۷۳	-	-	-	-	۱۰۱	-	-	-	-
۷۴	ادبی	۵۶۲/۱	-	-	۱۰۲	ادبی	۶۴۷/۱	فلسفی	۳۶۳/۱
۷۵	ادبی	۵۶۸/۱	-	-	۱۰۳	ادبی	۶۴۸	اجتماعی	۳۶۷/۱
۷۶	ادبی	۵۶۹/۱	-	-	۱۰۴	فقهی	۶۵۲/۱	-	-
۷۷	ادبی	۵۷۲/۱	-	-	۱۰۵	ادبی	۶۵۳/۱	-	-
۷۸	-		اجتماعی	۳۲۳/۱	۱۰۶	ادبی	۶۵۸/۱	-	-
۷۹	ادبی	۵۷۶/۱	-	-	۱۰۷	ادبی	۶۶۵/۱	-	-
۸۰	ادبی	۵۸۰/۱	-	-	۱۰۸	ادبی	۶۶۸/۱	-	-
۱۰۹	-	-	-	-	۱۳۷	ادبی	۷۴۱/۱	-	-
۱۱۰	-	-	-	-	۱۳۸	ادبی	۷۴۲/۱	-	-
۱۱۱	ادبی	۶۷۷/۱	-	-	۱۳۹	ادبی	۷۴۶/۱	-	-

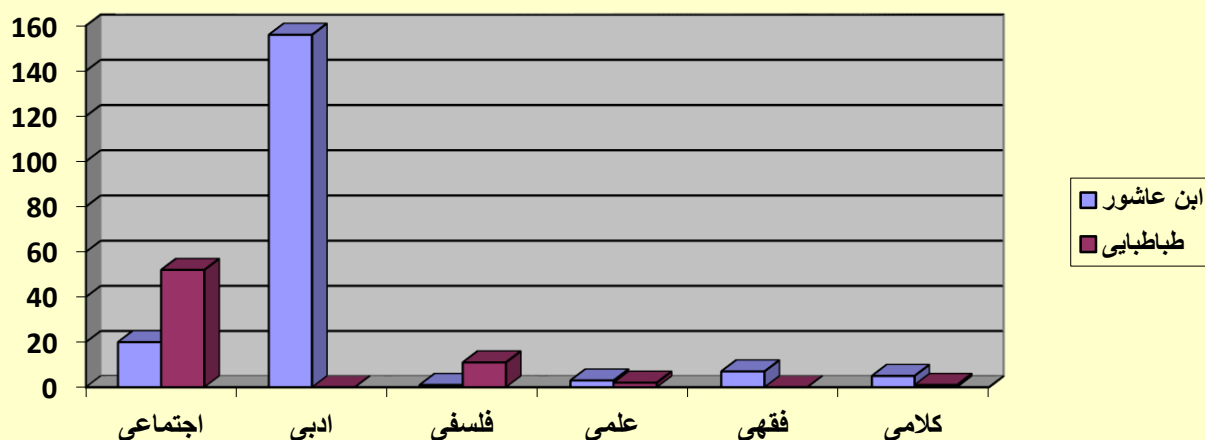
۱۱۲	ادبی	۶۷۷/۱	-	-	۱۴۰	ادبی	۷۴۸/۱	-	-
۱۱۳	ادبی	۶۷۸/۱	-	-	۱۴۱	ادبی	۷۴۹/۱	-	-
۱۱۴	ادبی	۶۸۱/۱	-	-	۱۴۲	اجتماعی	۱۲/۲	اجتماعی	۵۰۲/۱
۱۱۵	-	-	-	-	۱۴۳	اجتماعی	۱۹/۲	اجتماعی	۵۰۶/۱
۱۱۶	ادبی	۶۸۳/۱	علمی- فلسفی	۳۶۹/۱	۱۴۴	اجتماعی	۳۰/۲	-	-
۱۱۷	-	-	-	-	۱۴۵	اجتماعی	۳۸/۲	-	-
۱۱۸	ادبی	۶۹۰/۱	-	-	۱۴۶	-	-	-	-
۱۱۹	ادبی	۶۹۲/۱	-	-	۱۴۷	ادبی	۴۱/۲	-	-
۱۲۰	ادبی	۶۹۴/۱	-	-	۱۴۸	اجتماعی	۴۴/۲	-	-
۱۲۱	ادبی	۶۹۶/۱	-	-	۱۴۹	اجتماعی	۴۵/۲	-	-
۱۲۲	ادبی	۶۹۸/۱	-	-	۱۵۰	-	-	-	-
۱۲۳	ادبی	۶۹۸/۱	-	-	۱۵۱	ادبی	۵۰/۲	-	-
۱۲۴	کلامی	۷۰۷/۱	کلامی	۴۰۹/۱	۱۵۲	ادبی	۵۱/۲	-	-
۱۲۵	ادبی	۷۱۲/۱	اجتماعی	۴۴۸/۱	۱۵۳	اجتماعی	۵۲/۲	اجتماعی	۵۱۶/۱
۱۲۶	ادبی	۷۱۴/۱	-	-	۱۵۴	ادبی	۵۳/۲	اجتماعی	۵۱۸/۱
۱۲۷	ادبی	۷۱۹/۱	-	-	۱۵۵	ادبی	۵۵/۲	-	-
۱۲۸	ادبی	۷۲۴/۱	-	-	۱۵۶	ادبی	۵۶/۲	فلسفی	۵۴۹/۱
۱۲۹	-	-	-	-	۱۵۷	ادبی	۵۷/۲	اجتماعی	۵۵۸/۱
۱۳۰	-	-	-	-	۱۵۸	ادبی	۶۵/۲	-	-
۱۳۱	-	-	-	-	۱۵۹	فقهی	۶۹/۲	اجتماعی	۵۸۵/۱

۱۳۲	ادبی	۷۲۹/۱	-	-	۱۶۰	ادبی	۷۲/۲	-	-
۱۳۳	ادبی	۷۳۴/۱	-	-	۱۶۱	ادبی	۷۳/۲	-	-
۱۳۴	ادبی	۷۳۵/۱	-	-	۱۶۲	ادبی	۷۴/۲	-	-
۱۳۵	-	-	-	-	۱۶۳	ادبی	۷۵/۲	فلسفی	۵۹۲/۱
۱۳۶	ادبی	۷۴۰/۱	-	-	۱۶۴	علمی	۷۹/۲	علمی	۵۹۶/۱
۱۶۵	ادبی	۹۳/۲	اجتماعی	۶۰۲/۱	۱۹۳	اجتماعی	۲۰۸/۲	اجتماعی	۹۹/۲
۱۶۶	ادبی	۹۷/۲	فلسفی	۶۱۸/۱	۱۹۴	-	-	اجتماعی	۱۰۲/۲
۱۶۷	ادبی	۱۰۰/۲	فلسفی	۶۲۲/۱	۱۹۵	ادبی	۲۱۳/۲	-	-
۱۶۸	ادبی	۱۰۵/۲	اجتماعی	۶۳۱/۱	۱۹۶	فقهی	۲۲۰/۲	-	-
۱۶۹	ادبی	۱۰۷/۲	-	-	۱۹۷	ادبی	۲۳۷/۲	-	-
۱۷۰	اجتماعی	۱۰۸/۲	اجتماعی	۶۳۷/۱	۱۹۸	ادبی	۲۴۰/۲	-	-
۱۷۱	ادبی	۱۱۳/۲	-	-	۱۹۹	-	-	-	-
۱۷۲	اجتماعی	۱۱۴/۲	-	-	۲۰۰	ادبی	۲۴۵/۲	-	-
۱۷۳	فقهی	۱۱۷/۲	-	-	۲۰۱	ادبی	۲۴۷/۲	-	-
۱۷۴	-	-	-	-	۲۰۲	ادبی	۲۴۹/۲	-	-
۱۷۵	ادبی	۱۲۶/۲	-	-	۲۰۳	-	-	-	-
۱۷۶	ادبی	۱۲۷/۲	-	-	۲۰۴	ادبی	۲۶۷/۲	-	-
۱۷۷	اجتماعی	۱۲۸/۲	-	-	۲۰۵	ادبی	۲۶۸/۲	-	-
۱۷۸	اجتماعی	۱۳۴/۲	اجتماعی	۶۶۵/۱	۲۰۶	ادبی	۲۶۹/۲	-	-
۱۷۹	اجتماعی	۱۴۵/۲	-	-	۲۰۷	ادبی	۲۷۳/۲	-	-

۱۵۱/۲	اجتماعی	۲۷۶/۲	اجتماعی	۲۰۸	-	-	۱۴۹/۲	فقهی	۱۸۰
-	-		-	۲۰۹	-	-	۱۵۲/۲	فقهی	۱۸۱
-	-	۲۸۳/۲	ادبی	۲۱۰	-	-	۱۵۴/۲	ادبی	۱۸۲
-	-	۲۸۹/۲	ادبی	۲۱۱	۳۰/۲	اجتماعی	۱۵۹/۲	-	۱۸۳
-	-		-	۲۱۲	-	-	۱۶۵/۲	فقهی	۱۸۴
۱۶۷/۲ ۲۲۳/۲	اجتماعی اجتماعی	۲۹۹/۲	اجتماعی	۲۱۳	-	-	۱۷۵/۲	ادبی	۱۸۵
-	-	۳۱۶/۲	ادبی	۲۱۴	۵۱/۲	اجتماعی	۱۷۹/۲	ادبی	۱۸۶
-	-	۳۱۷/۲	ادبی	۲۱۵	-	-		-	۱۸۷
۲۴۶/۲	اجتماعی	۳۲۲/۲	اجتماعی	۲۱۶	۷۶/۲	اجتماعی	۱۸۸/۲	اجتماعی	۱۸۸
۲۷۲/۲	اجتماعی	۳۳۳/۲	فقهی	۲۱۷	-	-	۱۹۹/۲	ادبی	۱۸۹
-	-	۳۳۷/۲	ادبی	۲۱۸	۸۸/۲	اجتماعی	۲۰۰/۲	ادبی	۱۹۰
۲۹۵/۲	اجتماعی	۳۳۹/۲	اجتماعی	۲۱۹	۹۴/۲	اجتماعی	-	-	۱۹۱
-	-	۳۴۷/۲	ادبی	۲۲۰	-	-	-	-	۱۹۲
-	-	-	-	۲۵۰	۳۰۵/۲	اجتماعی	۳۶۳/۲	ادبی	۲۲۱
۴۶۳/۲	اجتماعی	۴۹۸/۲	اجتماعی	۲۵۱	-	-	۳۶۶/۲	ادبی	۲۲۲
-	-	-	-	۲۵۲	-	-	۳۷۴/۲	ادبی	۲۲۳
۴۷۸/۲ ۴۹۶/۲ ۴۹۸/۲	اجتماعی اجتماعی کلامی	۱۲/۳	اجتماعی	۲۵۳	۳۳۳/۲	اجتماعی	۳۷۶/۲	ادبی	۲۲۴

۲۲۵	ادبی	۳۸۱/۲	-	-	۲۵۴	-	-	-	-
۲۲۶	فقهی	۳۸۷/۲	-	-	۲۵۵	-	-	۱۸/۳	ادبی
۲۲۷	-	-	-	-	۲۵۶	-	-	اجتماعی	۵۲۴/۲
۲۲۸	اجتماعی	۴۰۰/۲	اجتماعی	۳۴۹/۲	۲۵۷	-	-	۳۱/۳	ادبی
۲۲۹	ادبی	۴۰۹/۲	اجتماعی	۳۵۳/۲	۲۵۸	-	-	۳۲/۳	ادبی
۲۳۰	-	-	اجتماعی	۳۹۳/۲	۲۵۹	-	-	۳۷/۳	ادبی
۲۳۱	ادبی	۴۲۴/۲	اجتماعی	۴۱۳/۲	۲۶۰	-	-	۴۰/۳	ادبی
۲۳۲	ادبی	۴۲۸/۲	اجتماعی	۴۱۸/۲	۲۶۱	-	-	اجتماعی	۵۸۷/۲
۲۳۴	ادبی	۴۴۲/۲	-	-	۲۶۲	-	-	اجتماعی	۵۹۴/۲
۲۳۵	ادبی	۴۵۳/۲	-	-	۲۶۳	-	-	اجتماعی	۴۵/۳
۲۳۶	ادبی	۴۶۳/۲	-	-	۲۶۴	-	-	ادبی	۵۰/۳
۲۳۷	ادبی	۴۶۷/۲	-	-	۲۶۵	-	-	ادبی	۵۱/۳
۲۳۸	-	-	-	-	۲۶۶	-	-	-	-
۲۳۹	ادبی	۴۷۰/۲	-	-	۲۶۷	-	-	ادبی	۵۷/۳
۲۴۰	ادبی	۴۷۳/۲	-	-	۲۶۸	-	-	ادبی	۵۹/۳
۲۴۱	-	-	-	-	۲۶۹	-	-	اجتماعی	۶۲/۳
۲۴۲	-	-	-	-	۲۷۰	-	-	-	-
۲۴۳	ادبی	۴۷۶/۲	-	-	۲۷۱	-	-	ادبی	۶۸/۳
۲۴۴	ادبی	۴۷۹/۲	اجتماعی	۴۴۲/۲	۲۷۲	-	-	ادبی	۷۰/۳
۲۴۵	ادبی	۴۸۱/۲	-	-	۲۷۳	-	-	ادبی	۷۵/۳

۲۴۶	ادبی	۴۸۶/۲	اجتماعی	۴۵۴/۲	۲۷۴	ادبی	۷۷/۳	-	-
۲۴۷	ادبی	۴۹۰/۲	-	-	۲۷۵	ادبی	۸۰/۳	اجتماعی	۶۲۸/۲
۲۴۸	-	-	-	-	۲۷۶	ادبی	۹۱/۳	اجتماعی	۶۴۴/۲
۲۴۹	ادبی	۴۹۵/۲	-	-	۲۷۷	-	-	-	-
۲۷۸	ادبی	۹۴/۳	اجتماعی	۶۵۶/۲	۲۸۳	فقهی	۱۲۱/۳	-	-
۲۷۹	ادبی	۹۵/۳	-	-	۲۸۴	ادبی	۱۳۰/۳	-	-
۲۸۰	ادبی	۹۶/۳	-	-	۲۸۵	ادبی	۱۳۲/۳	-	-
۲۸۱	-	-	-	-	۲۸۶	فقهی	۱۳۹/۹	-	-
۲۸۲	فقهی	۱۰۷/۳	-	-	-	-	-	-	-



۴- نتیجه گیری

بر اساس بررسی هر دو تفسیر و مطالعه موردی گرایش‌ها در سوره بقره باید گفت، گرچه هر دو مفسر بر اساس تبحر و ذوق خویش از گرایش‌های مختلف در تفسیر استفاده

کرده‌اند؛ اما به عنوان نقاط اشتراک تفاسیر التحریر و التنویر و المیزان می‌توان به استفاده از گرایش اجتماعی که به شکل گسترده‌تری نسبت به دیگر گرایش‌ها مطرح شده است اشاره کرد.

به عنوان نقطه افتراق تفاسیر یادشده، با عنایت به بینش و حساسیت خاص علامه به مسائل فرافردی قرآن، باید به استفاده از گرایش اجتماعی و فلسفی در المیزان و همچنین با توجه به تبحر کم‌نظیر شیخ ابن عاشور در مسائل نحوی و لغوی قرآن به گرایش ادبی در التحریر و التنویر اشاره کرد.

فهرست الفبایی منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن طاووس؛ علی بن موسی، (۱۴۰۰ق)، *الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف*. قم: مطبعه الخيام.
- ابن عاشور؛ محمد بن طاهر، (۱۳۹۳ق)، *التحریر و التنویر*. تونس: دارالسخون.
- ابن عربی، محیی‌الدین. (۱۹۴۶). *فصوص الحکم*. قاهره: دارالکتب المصریه.
- اردشیری؛ حسن، (۱۳۸۸ش)، *سیره علمی و عملی علامه سید محمدحسین طباطبائی*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
- ایازی؛ محمدعلی، (۱۳۷۸ش)، *قرآن و تفسیر عصری*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ایازی؛ محمدعلی، (۱۴۱۴ق)، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*. تهران: مؤسسه الطباع و النشر.
- بحرانی؛ عبدالله بن نورالله، (۱۴۰۵ق)، *عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال*. قم: مدرسه الامام المهدی علیه‌السلام.
- خویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۳۷۳ق). *نور الثقلین*. قم: اسماعیلیان.
- خسروی؛ محمود، (۱۳۹۲ش)، *رساله دکتری مقایسه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری علامه طباطبائی و ابن عاشور*، دانشگاه پیام نور.
- ذکاوت، حسن. (۱۳۹۰). *پژوهشی در گرایش‌های تفسیری قرآن کریم*. تهران: سمت.
- ذهبی؛ محمدحسین، (۱۹۶۱م)، *التفسیر و المفسرون*. قاهره: دار الکتب الحدیثه.
- رازی، فخرالدین. (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- رافعی، مصطفی صادق. (۱۹۹۴). *اعجاز القرآن و البلاغه النبویه*. بیروت: دارالکتب العربی.
- رجبی؛ محمود، (۱۳۷۸ش)، *روش تفسیر قرآن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رضایی اصفهانی؛ محمدعلی، (۱۳۸۲ش)، *منطق تفسیر قرآن*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- زرکشی، بدرالدین. (۱۳۸۱). *البرهان فی علوم القرآن*. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- سبحانی؛ جعفر، (بی‌تا)، *فلسفه اسلامی و اصول دیالکتیک*. قم: نشر امید.
- سجادی، سیدجعفر. (۱۳۸۱). *فرهنگ علوم قرآنی و تفسیری*. تهران: امیرکبیر.
- طالقانی، محمود. (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن* (ج ۱-۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبائی؛ محمدحسین، (۱۳۹۰ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی.

طباطبائی؛ محمدحسین، (۱۳۹۴ق)، *قرآن در اسلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.

طبرسی؛ فضل بن حسن، (۱۳۵۰ش)، *مجمع البیان*، ترجمه هاشم رسولی. تهران: نشر فراهانی.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالفکر.

طنطاوی جوهری، محمد (۱۳۵۰ق). *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم*. قاهره: المكتبة التوفيقية.

طنطاوی، ابن جوهری، (۱۴۲۵ق)، *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

عبده، محمد و رشیدرضا، محمد. (۱۳۶۵ق). *تفسیر المنار*. قاهره: المكتبة المصرية.

علوی مهر؛ حسین، (۱۴۳۵ق)، *المدخل الی تاریخ التفسیر و المفسرون*. قم: مرکز المصطفی العالمی للترجمة النشر.

عمید زنجانی؛ عباسعلی، (۱۳۷۳ش)، *مبانی و روش های تفسیر قرآن*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فرحات؛ احمد حسن، (۱۴۲۱ق)، *فی علوم القرآن*. عمان: دار عمار.

فلاحی قمی؛ محمد، (۱۳۸۹ش)، *تأثیر علوم ادبی در فهم قرآن*. قم: بوستان کتاب.

فیض کاشانی؛ محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، تحقیق علامه ضیاء الدین. اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام.

فیض کاشانی؛ محمد بن شاه مرتضی، (۱۳۸۱ش)، *پژوهشی در جریان شناسی تفسیر عرفانی*. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ثمین.

قطب، سید. (۱۹۸۶). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق.

مجلسی؛ محمدباقر بن محمدتقی، (۱۱۱۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار ائمه الاطهار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). *التمهید فی علوم القرآن* (ج ۱-۲). قم: مؤسسه نشر اسلامی.

معرفت؛ محمد هادی، (۱۴۱۸ق)، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه التقشيب*. مشهد: جامعه الرضویه فی علوم الاسلامیه.

نجم الدین رازی. (۱۳۶۶). *مرصاد العباد*. تهران: انتشارات زوار.

Comparative Study of Interpretive Tendencies in the Interpretations of Al-Mizan, Al-Tahrir and Al-Tanvir (A Case Study in Surah Al-Baqarah)

Abdolrasool Shabani¹

PhD student in Quran and Hadith Sciences, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Date of Receipt: ۲۲/۰۶/۲۰۲۰

Date of Acceptance: ۲۱/۰۸/۲۰۲۰

Abstract

The interpretive tendency reflects the specialization and interest of the interpreter and is influenced by the social, cultural, political and scientific atmosphere of his/her time. The most important interpretive tendencies are literary, theological, jurisprudential, social, scientific and philosophical. This article, using a comparative method and an analytical-descriptive method, analyzes the interpretive tendency of Allamah Tabataba'i in Tafsir Al-Mizan fi Tafsir Al-Quran and Sheikh Ibn Ashur in Tafsir Al-Tahrir and Al-Tanvir, who were contemporaries of each other. The main question of the research is: What is the dominant tendency of the interpreter in each of the aforementioned interpretations?

A comparative study and case analysis of the aforementioned interpretations of Surah Al-Baqarah indicate that Allamah Tabataba'i and Sheikh Ibn Ashur used different tendencies in their interpretations; however, Allamah Tabataba'i, influenced by contemporary social events and his interest in philosophical issues, gave Al-Mizan a socio-philosophical flavor more than other tendencies, and Sheikh Ibn Ashur, based on his expertise in literature, wrote Al-Tahrir and Al-Tanvir with a literary tendency.

Keywords: Interpretive Tendency, Al-Mizan, Allamah Tabataba'i, Al-Tahrir and Al-Tanvir, Ibn Ashur
